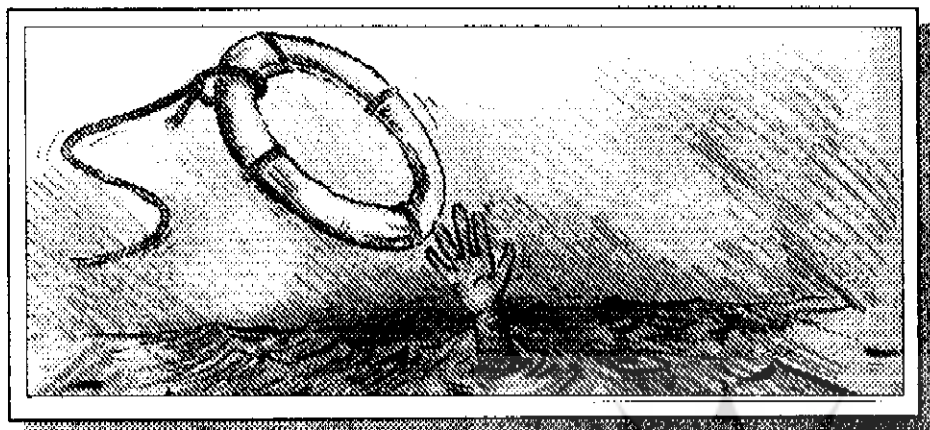


# انحصارات: آفت کشنده اقتصاد ایران

نویسنده دکتر ه. خشایار



در امور اقتصادی، چونان دیگر زمینه‌ها تا هنگامی که نظام موجود با بحران روبرو نشود، کمتر کسی به فکر بهبود آن می‌افتد. با وجود همه اشکالات و نارسائی‌های یک نظام، تا زمانی که «چراغ خاموش است و آسیاب می‌گردد»، کمتر کسانی شجاعت اصلاح آن را پیدا می‌کنند. اما لحظه‌ای می‌رسد که حتی معتقدترین کسان به نظام موجود نیز به فکر چاره می‌افتند.

اقتصاد ایران در اثر سوء مدیریت و ناهنجاری دید حاکم بر آن، سخت به تنگنا افتاده است. برای در رفت از این بحران، اقتصاد ایران نیازمند اصلاحات بنیادی و ریشه‌ای است. در گفتار پیشین زیر عنوان «راههای خروج از بن‌بست» مجله گزارش شماره ۱۰۴ - مهر ۷۸ به برخی از راهکارها اشاره شد. در این بخش مسئله «انحصار» که یکی دیگر از اصلی‌ترین مشکلات اقتصاد کشور محسوب می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته و راه حل‌های عملی نیز پیشنهاد شده است.



در سال ۱۹۱۷ میلادی، با انقلاب روسیه، تجربه جدیدی در زمینه روابط اجتماعی آغاز شد و با فروریزی «دیوار برلن» در نوامبر ۱۹۸۹، یعنی پس از ۷۴ سال به پایان رسید. برای این تجربه تلخ و خونین، بشریت و به ویژه مردمان اتحاد شوروی پیشین، بهای سنگینی پرداختند. میان سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۹۱، کمابیش ۶۲ میلیون نفر غیرنظامی، بر اثر اقدام دولت شوروی، جان باختند. این رقم شمار افراد نیروهای مسلح را که در جنگ کشته شدند، در بر نمی‌گیرد<sup>(۱)</sup> برپا کنندگان انقلاب روسیه بر این باور بودند

انحصار بزرگ دولتی اتحاد شوروی نیز مانند هر انحصار دیگر دچار بیماری‌هایی شد که خود موجد آن‌ها بود. در این زمینه، یک ضرب‌المثل فارسی می‌گوید: «گرم درخت از خود درخت است».

نظام سیاسی حاکم بر شوروی نیز مانند نظام اقتصادی آن، به طور کامل بسته بود. در این فرآیند، برای مردم هیچ گزینش دیگری جز آن که نظام دیکته می‌کرد، وجود نداشت. در نظام سلطه‌گرای اتحاد شوروی، سلطه‌گران و یا به گفته دیگر، هیأت حاکمه اتحاد شوروی، مدعی بود که فهم و درکسی برتر از انتخاب جمعیت چند صدمیلیونی دارد.

با توجه به جو حاکم بر جهان، برنامه‌های اعلام شده از سوی «بلشویک»ها و به ویژه نظریه «دیکتاتوری پرولتاریا» برخلاف امروز که به گوش‌ها سنگین و غریب است، مسأله‌ای عادی بود. در آن دوران، حضور دیکتاتورها در صحنه جهانی و نظام‌های «دیکتاتوری»، امری روزمره به شمار می‌رفت. در دهه دوم سده بیستم میلادی، از میان ۴۳ کشور مستقل جهان، تنها از ۶ کشور (و آن هم به سختی)، می‌شد به عنوان کشورهای با

با دولتی کردن تمام فعالیت‌های اقتصادی، نظم نوینی را پی‌ریزی می‌کنند. آنان معتقد بودند که نظام جدید، نه تنها دچار تضادهای داخلی نظام‌های اقتصادی موجود نخواهد شد، بلکه اثری هم از کمبودها و کاستی‌های هندادهای دیگر اقتصادی، در آن وجود نخواهد داشت.

در درازای هفتاد و چهار سال، با این که اتحاد شوروی توانسته بود به‌هنگام حکم فرمایی خود را از شبه جزیره کامچانکا تا شهر برلین گسترش دهد، اما سرانجام در زمینه رقابت اقتصادی به زانو در آمده و از پای در افتاد، نظریه و عملکرد این نظام، یک انحصار کامل بود. همه شهروندان اتحاد شوروی، می‌بایست نیروی کار خود را به نظام حاکم فروخته و در نتیجه می‌بایست همه مایحتاج خود را نیز از آن می‌خریدند. به سخن دیگر، مردم اتحاد شوروی در برابر عرضه نیروی کار خود، آن چه را که نظام شوروی آن را «نیاز» تشخیص می‌داد و یا به گفته درست‌تر، آنچه را که می‌توانست تولید کند، به آنان واگذار می‌کرد. بدین سان، شهروندان اتحاد شوروی، ناچار بودند آنچه را که به عنوان «دستمزد» به آنان پرداخت می‌شد با سپاسگذاری و نشان دادن خشنودی، بپذیرند.

نظام مردم سالاری نام برد. در حالی که در سال پایان سده بیستم، از میان ۱۹۳ کشور جهان، ۱۱۷ کشور دارای نظام حکومتی کمابیش مردم سالار هستند.

در آستانه نبرد نخست جهانی (۱۹۱۴ میلادی برابر با ۱۲۹۲ خورشیدی)، استعمار در اوج نیرومندی بود. از این روی تعداد کشورهای مستقل نسبت به کشورهای مستعمره و یا تحت سلطه‌ی بیگانه، بسیار اندک بودند. برای مثال از میان همه کشورهای مسلمان، تنها ایران، افغانستان و عثمانی در زمره کشورهای مستقل جهان قرار داشتند... در سر تا سر آفریقا حتی یک کشور مستقل نیز وجود نداشت... اما امروز در پایان سده بیستم، استعمار به صورت آشکار، از جهان رخت برسته است و دیگر عنوان مستعمره یا تحت‌الحمایه و... مفهومی ندارد. بدون تردید، وجود استعمار و بهره‌کنشی ظالمانه از مردمان تحت ستم مستعمرات و رفتار مشابه با نیروی کار در کشورهای استعمارگر و... از دلایل اصلی پذیرش نظام مخوف بلشویسم در روسیه و نیز ستایش آن از سوی بسیاری از مردمان این جهان بود. انسان‌های بسیاری در غرب، با سطح زندگی بسیار بالاتر، با دانش علمی فزون‌تر و با دید فلسفی آزادتر، بیشتر به دلیل برخورداری از اعتقادات ضد استعماری و ضد استثماری، به نظام جبار شوروی دل بسته بودند. اما در داوری فرجامین، نظام شوروی جز خشونت و سرکوب، تبعید و قتل و سرانجام فقر و بدبختی، ارمغان دیگری برای بشریت نداشت. حتی، پس از فروپاشی نظام اتحاد شوروی، مردمان روسیه امروز و دیگر کشورهای شوروی پیشین، می‌بایست سال‌ها تاوان سنگین آن را بپردازند.

برابر این نظام اجتماعی - اقتصادی اتحاد شوروی، نظام دیگری وجود داشت. در نظام مزبور برخلاف شوروی، گزینش و سلیقه توده‌های مردم بر همه امور حکم‌فرما بود. از انتخاب شهردار یک شهرک کوچک گرفته تا انتخاب نمایندگان مجلس ملی، از خرید یک پیراهن گرفته تا خرید خودرو و

## در حال حاضر، انحصارات به اشکال گوناگون توانمندی‌های بخش خصوصی و اقتصاد ایران را به تنگنا کشانده است.

آزادی‌های اقتصادی است، در این فراگرد، در کشورهای با اقتصاد «بسته» و «نیمه‌باز» نیز به برکت بهره‌مند شدن از دستاوردهای کشورهای پیشرفته (در اثر صادرات و بهره‌گیری از بازار ثروتمند آنان و یا در اثر سرمایه‌گذاری‌های کشورهای پیشرفته صنعتی در کشورهای در حال رشد و عقب‌مانده، توانستند سطح زندگی مردم خود را با وجود رشد شتابان و فزاینده جمعیت، بهبود چشم‌گیری دهند.

از سوی دیگر، نظام اقتصاد آزاد، این فرصت را در اختیار توده‌های مردم قرار داد تا بتوانند بدون واسطه از دستاوردهای اقتصادی خود، بهره‌مند شوند. این امر، شتاب فزاینده‌ای بر روی ابتکارها، اختراعات و نوآوری‌ها داشت. از برکت اصل برخورداری بدون واسطه از دستاوردهای اقتصادی، دامنه دانش بشری، به مرزهای غیرقابل تصویری رسید. هم‌زمان و در اثر این دستاوردهای

خانه، در درازای سده بیستم، نظام اقتصادی - اجتماعی مزبور که بر پایه مردم سالاری سیاسی همراه با آزادی اقتصادی بنا شده بود، توانست با وجود کاستی‌ها، ثروت عظیمی را برای توده‌های مردم به ارمغان آورد. ثروتی که در سرتاسر تاریخ بشری، سابقه نداشت.

جمعیت جهان در آغاز سده بیستم، تنها یک میلیارد و ششصد میلیون تن بود. جمعیت مزبور در پایان سده به شش میلیارد نفر بالغ شده است (۲). اما با این وجود، در این سده درآمد کارگران در سرتاسر جهان افزایش یافته است.

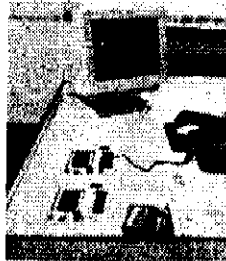
این امر، فرایند بهره‌مند شدن توده‌های مردمان کشورهای بیشتری، از آزادی‌های سیاسی و نیز

### شرکت کتاب و نوار زبان سرا

نماینده رسمی و انحصاری دانشگاه آکفورد در سراسر ایران



مرکز فروش کتاب، نوار و فیلم‌های آموزشی زبان در تهران و شهرستانها  
مرکز توزیع عمده محصولات فرهنگی به فروشگاههای عرضه محصولات فرهنگی با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازنده لابراتوارهای زبان برای مراکز دانشگاهی و آموزشی با تجربه چند ساله.



لشانی: تهران، خیابان انقلاب، اول خیابان وصال  
شیرازی، دلماره ۲۷، طبقه سوم.  
تلفن: ۶۴۶۲۱۵۲ - ۶۴۶۲۶۱۲ - ۶۴۶۲۱۵۲ فاکس: ۶۴۶۲۱۵۲

علمی که درصد بسیار بالایی از آن توسط بخش خصوصی و به ویژه توسط بنگاه‌های کوچک انجام شد، انسان با راه‌های نوینی از تولید ثروت آشنا شد که با رشته‌های سنتی تولید ثروت فرق داشت، مانند رشته‌های الکترونیک، انفورماتیک، ژنتیک و...

از سوی دیگر، این نظام اقتصادی - اجتماعی با اتکا بر اصل بهره‌مند بودن توده‌های مردم از حق‌گزینش نهایی از ساز و کار (مکانیسم) اصلاح خودکار برخوردار است. بدین سان، این نظام هنگام بروز بحران به خاطر دارا بودن انعطاف، راه‌حل‌های لازم را پیدا کرده و برخلاف نظام شوروی سابق به دلیل نداشتن انعطاف، مانند چوب خشک، در هم نمی‌شکند.

نظام مزبور نیز مانند هر نظام دیگر در درازای زمان با بحران‌ها و چالش‌های بنیادی روبرو بوده است. اما برخلاف نظام‌های سلطه‌گرا، نظام مزبور توانست با همیاری توده‌های مردم، مسایل درونی خود را حل کند و پس از یک ایست و یا عقب‌گرد، با توان و شتاب بیشتری در راستای افزایش ثروت گام بردارد.

در اقتصادهای آزاد، در درازای زمان، «انحصارات» که محدودکننده حق‌گزینش آزاد جامعه است، درهم شکسته شدند. آخرین بقایای مهم انحصارات در اروپا، نظام دولتی مخابرات بود. با آزادسازی رقابت در زمینه مخابرات در کشورهای گوناگون اروپا، آخرین دژ عمده «انحصار» در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز فرو ریخت. بدین سان، می‌توان گفت که در کشورهای مزبور، پدیده عمده‌ای به نام انحصار وجود ندارد.

### توسعه انحصارات در ایران

با وجودی که نظام پیشین ایران به شدت ضد بلشویک بود، اما هر روز بر پهنه انحصارات اقتصادی، می‌افزود. با وجودی که نظام پیشین خود را هواخواه اقتصاد آزاد نشان می‌داد، اما هرگز از نظر اقتصادی و یا سیاسی حق انتخاب آزاد برای مردم (مردم سالاری)، را به رسمیت

نشناخت. نظام پیشین اعتقاد داشت که درک و گزینش گروه حاکمه، بر درک و گزینش کل جامعه، برتری دارد. از این رو، آن گروه اندک با مجوزی که خود صادر کرده بود، برداشت سیاسی خود را بر کل مسایل اقتصادی جامعه نیز گسترش داده و در این فرآیند، رشته‌های مهم اقتصاد را در اختیار گرفت.

## انحصارات با داشتن مجوز تعیین قیمت فرآورده‌های خود و افزایش آن بیشتر از نرخ تورم از اصلی‌ترین ایجادکنندگان تورم هستند.

در آغاز، سخن بر سر این بود که راه اندازی و اداره برخی از رشته‌ها، مانند ذوب‌آهن، خارج از توان بخش خصوصی است. از این روی، دولت می‌بایست آنها را راه‌اندازی و اداره کند. اما، هم‌زمان هیچ کوششی از سوی دولت برای باز کردن درهای اقتصاد به روی بخش خصوصی انجام نشد، بلکه برعکس دولت با وارد شدن به بخش‌های دیگر، دایره عمل بخش خصوصی را تنگ‌تر کرد. حتی دولت رشته‌هایی از تولید و خدمات، مانند برق و هواپیمایی را از کف بخش

خصوصی بیرون کشید. در این فرآیند، دولت هر روز بر دامنه انحصارات افزود و حیطه بخش خصوصی را تنگ‌تر کرد.

روند انحصارگری در جمهوری اسلامی، شتاب بیشتری گرفت. پس از انقلاب، مصادره بنگاه‌های اقتصادی و ناامن شدن محیط‌های اقتصادی کشور، انحصارات را به شکل بی‌سابقه‌ای گسترش داد.

کاری‌ترین ضربه بر پیکر اقتصاد کم‌توان کشور، دولتی کردن مؤسسات اعتباری بود. بدین سان در این دوران، کشور از نظر آزادی اقتصادی، وضعیت نامطلوب‌تری پیدا کرد. بر پایه بررسی‌های انجام شد، ایران از نظر آزادی اقتصادی، جز کشورهایی است که در بخش یک چهارم پایانی جدول مربوط و پس از کشورهای مانند توگو، بنگلادش، گینه نو و ساحل عاج<sup>(۳)</sup>، قرار دارد. از سوی دیگر، درآمد سرانه کشورهای این رده از جدول، زیر پانصد دلار در سال است. در حالی که بر پایه مطالعات مزبور، کشورهای رده‌بندی شده در بخش یک چهارم بالای جدول، در حالی که از بیشترین آزادی‌های اقتصادی بهره‌مندند، بالاترین درآمدهای سرانه را نیز دارا هستند، به طوری که میانگین درآمد سرانه مردمان کشورهای مزبور، بیش از پانزده هزار دلار در سال است.

امروزه در ایران، به جز چند استثنا در زمینه صنایع مصرفی، بقیه تولیدات در انحصار بخش دولتی است، در اثر این شکل ناپسند اقتصادی «رقابت» که موتور پرتوان توسعه و پیشرفت اقتصادی است، مفهوم و کاربرد خود را از دست داده است. در این راستا، برای برقراری نظام رقابت در زمینه اقتصادی، افزون بر استقلال بانک مرکزی و خصوصی‌سازی بانک‌ها و صنایع، وضع قوانین لازم برای تضمین سرمایه‌گذاری و قوانین مربوط به بازار سهام، در هم شکستن انحصارات موجود و ایجاد ساز و کارهای مناسب برای جلوگیری از ایجاد انحصارهای جدید، از اصلی‌ترین و ضروری‌ترین اقدام‌هاست.

کشور وجود دارند، می‌بایست هیأت مدیره و مدیر عامل نهادهای مزبور از سوی مجلس به عنوان نمایندگان صاحبان سهم (ملت ایران) برگزیده شده و با اصول حاکم بر شرکت‌های بخش خصوصی اداره شوند.

تمامی بنگاه‌های انحصاری می‌بایست هر سه ماه یکبار عملکرد خود را منتشر کنند و در معرض دید مردم و از همه مهم‌تر بررسی و تصمیم‌گیری نمایندگان مردم قرار دهند. بنگاه‌های انحصاری، نمی‌توانند نرخ کالا و خدمات تولیدی را خود تعیین کنند، بلکه امر نرخ‌گذاری، می‌بایست زیر نظر کمیسیون مشترکی از مجلس و سازمان برنامه و بودجه و وزارت دارایی انجام شود.

این بنگاه‌ها، می‌بایست مانند هر بنگاه اقتصادی که هدف نهایی آن افزایش سود از راه افزایش فروش، کاهش هزینه‌ها، افزایش

محدودیتی نداشته و از سوی دیگر، بتوانند همواره پیشاپیش تورم، قیمت‌ها را افزایش دهند. باید توجه داشت که انحصارات با داشتن مجوز تعیین قیمت فرآورده‌های خود و افزایش آن بیشتر از نرخ تورم، از اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین ایجادکنندگان تورم در اقتصاد به شمار می‌روند.

اما با وجود همه زیان‌های انحصارات، حکومت آمادگی ندارد تا از آنچه را «حق» خود می‌دانند، چشم‌پوشی کنند.

انحصارات موجود در ایران را می‌توان به چند گروه بخش‌بندی کرد. گروه‌های مزبور عبارتند از:

- ۱- گروه نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی.
  - ۲- گروه مخابرات، پست، حمل و نقل، آب و برق و...
  - ۳- دیگر انحصارات دولتی و وابسته به دولت.
- بیش از اینکه وارد این بحث شویم، لازم است به یاد داشته باشیم تا زمانی که انحصارات در

در حال حاضر، انحصارات در اشکال گوناگون توانمندی‌های بخش خصوصی و اقتصاد ایران را به تنگنا کشانده است برای شناخت موقعیت و خیم اقتصاد ایران، تنها کافی است به رقم صادرات غیرنفتی کشور توجه کنیم. در اثر حاکمیت زیان‌بار انحصارات بر اقتصاد کشور، همراه با دیگر سیاست‌های زیان‌بار، رقم صادرات کشور (نفت به اضافه کار) در سال ۱۳۷۶ تنها برابر با ۰/۲۶ درصد (بیست و شش صدم درصد) کل صادرات جهان بوده است (۴).

اشکارترین ویژگی‌های انحصارات عبارتند از: پایین بودن بهره‌وری، ایستادگی برابر هرگونه تغییر، بی‌اعتنایی به خواست‌های مشتری، گران تمام شدن تولیدات، کاغذبازی، فساد و... انحصارات تنها هنگامی می‌توانند سودآور باشند که در پناه دیوارهای گمرکی بلند و غیرقابل نفوذ، در تعیین قیمت فرآورده‌های خود، هیچ

**تولیدات ما را در کیفیت و قیمت مناسب آن امتحان فرمائید**

**ساعی**

**تولید و فروش لباس آقایان**

**ما با بیش از بیست سال سابقه در تولید**

**لباس آقایان اینک بصورت عرضه**

**مستقیم در خدمت شما گرامیان هستیم**

**کت شلوار - کت تک - پیراهن - شلوار و ...**

**فروش دوخت‌ترین کت و شلوار ایران**

ونک - ملا صدرا - شیراز جنوبی - شماره ۲۳ -

تلفن : ۳-۸۴۱۱۱۲

**SALE**  
**CLOTHING**

بهره‌موری، بهره‌مند شدن از شگردشناسی (تکنولوژی) بهتر، رضایت مشتری و... است اداره شوند. شرایط استخدام، خاتمه خدمت و بیمه و بازنشستگی در بنگاه‌های انحصاری، مانند شرکت‌های بخش خصوصی باید بر پایه نیاز و مهارت‌های مورد نیاز باشد. درآمد بنگاه‌های مزبور، مانند بنگاه‌های اقتصادی خصوصی، پس از پرداخت مالیات، کنار گذاردن سرمایه‌گذاری‌های آینده و ذخیره‌های قانونی، به عنوان سود به صاحبان سهام (در این زمینه می‌تواند، خزانه کشور باشد)، پرداخت می‌شود.

## گروه نخست: نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی

### ۱- نفت

در اسفندماه ۱۳۲۹، صنایع نفت ایران در سرتاسر کشور ملی اعلام شد. با وجود گذشت ۴۹ سال از ملی شدن صنایع نفت و با در نظر گرفتن این حقیقت که ایران به طور طبیعی از امتیاز ویژه‌ای در زمینه صنعت نفت و صنایع وابسته برخوردار است، کشور هرگز نتوانسته است در سطح جهانی، حضوری بیشتر از یک «ناظر» داشته باشد. بدون تردید، این امر، تنها به خاطر مداخله قدرت‌های خارجی نیست، بلکه بزرگترین مسئولیت متوجه حکومت‌های ایران است که در طول این ۴۹ سال، گام‌های اساسی برای گسترش این صنعت بر نداشته‌اند. بزرگترین مانع در این امر، جلوگیری از عملکرد شرکت نفت در قالب یک شرکت خصوصی واقعی مشارکت بخش خصوصی در سرمایه است که متعلق به ملت می‌باشد. با در نظر گرفتن این امر که درآمد صادراتی کشور، بستگی تام به صادرات نفت دارد، امکان خصوصی کردن آن در حال حاضر وجود ندارد، تنها می‌توان در راستای بهبود آن پیشنهادهایی را ارائه کرد. اساسی‌ترین گام در این راستا، اداره این شرکت عظیم به مانند یک مؤسسه بازرگانی بخش خصوصی است. در این صورت، هیأت مدیره شرکت نفت، قادر خواهد بود تصمیم‌ها و اقدام‌های

لازم را فارغ از تشریفات دولتی و یا قرار گرفتن تحت تأثیر سیاست‌های روز، اتخاذ کند. هیأت مدیره منتخب ملت می‌تواند بخش‌هایی از دارایی‌های شرکت (مانند پالایشگاه‌ها) را به خریداران بفروشد و یا آنها را به صورت شرکت‌های مستقل در بازار سهام عرضه کند و خود به فعالیت اصلی که اکتشاف و بهره‌برداری از ذخایر نفت است بپردازد. از سوی دیگر، می‌بایست کوشش شود تا شرکت نفت را به چند شرکت مستقل رقیب تبدیل کرد. حتی اگر این امر در کوتاه مدت عملی نباشد، اما باید به عنوان آماج میان مدت، مورد نظر قرار گیرد.

### ۲- گاز

در مورد این شرکت نیز باید از الگوی شرکت نفت پیروی کرد. شرکت گاز، در درون کشور می‌بایست به صورت رقیب جدی برای شرکت نفت عمل کند. برای مثال، اگر شرکت گاز، مانند هر شرکت خصوصی زیر فشار دایم برای کسب درآمد بیشتر قسراً می‌داشت، گازسوز شدن خودروها، تا به حال پیشرفت بیشتری کرده بود. شرکت گاز، می‌بایست به چند شرکت کوچک‌تر بدل شود تا با یکدیگر به رقابت برخیزند. در این صورت، خطوط لوله، مربوط به یک شرکت خواهد بود و همه شرکت‌های گاز می‌توانند با پرداخت نرخ‌های عبور، از خطوط انتقال گاز بهره‌مند شوند.

### ۳- پتروشیمی

هیچ دلیلی وجود ندارد که صنایع پتروشیمی به صورت دولتی اداره شود و بخش خصوصی نتواند در این صنایع سرمایه‌گذاری کند. کلیه تولیدکنندگان مواد پتروشیمی، مواد اولیه را از شرکت نفت خریداری کرده و به تولید می‌پردازند. در حالی که امروزه، شرکت نفت به جای آنکه مانند هر تولیدکننده و فروشنده در راستای افزایش فروش عمل کند، به خاطر ساختار «غیرطبیعی»، سدی در برابر گسترش این صنعت، به شمار می‌رود. فراوانی تولیدکنندگان، باعث بهبود تولید و در نتیجه حضور در بازارهای جهانی می‌شود.

## گروه دوم: پست، مخابرات، آب، برق، فاضلاب، حمل و نقل و...

### ۱- پست

پست را باید به صورت یک شرکت واقعی که در مقابل صاحبان سهام (ملت ایران) مسئول است، در آورد. در این صورت پست از قالب امروزین آن یعنی از صورت نهادی با هزینه بالا و کارایی کم در می‌آید و به سرعت متحول می‌شود. از فعالیت بخش خصوصی به صورت شرکت‌های خصوصی پستی نباید جلوگیری شود و تا جایی که امکان دارد، شرکت پست باید وظایف خود را به شرکت‌های خصوصی منتقل کند. در چنین شکلی از رقابت آزاد، بر سر جابه‌جایی نامه و بسته، از هزینه‌های زیاد برخی دستگاه‌های دولتی و خصوصی به صورت نامه‌رسان و... جلوگیری می‌شود.

### ۲- تلفن

با پیشرفت‌های فنی در سال‌های اخیر، هزینه تلفن به طرز چشم‌گیری در حال کاهش مداوم است. از سوی دیگر پیش‌بینی می‌شود که تلفن‌های بدون سیم (همراه)، در آینده نزدیک جای تلفن‌های دارای سیم را خواهد گرفت. در اثر این امر و حذف سرمایه‌گذاری‌های هنگفت زیربنایی (کابل‌کشی)، هزینه مکالمات تلفنی نیز کاهش بیشتری خواهد یافت.

از این رو و با توجه به روند کنونی در سطح جهانی، لازم است که از هم‌اکنون اجازه فعالیت به شرکت‌های خصوصی در زمینه راه‌اندازی تلفن‌های بدون سیم (همراه)، داده شود. با این کار، در ایران نیز رقابت در این رشته همگام با دنیایی که به سوی آن روان هستیم، آغاز می‌شود. افزون بر آن، خصوصی‌سازی در زمینه ارتباطات تلفنی، سبب گسترش آن به مناطق محروم‌تر هم می‌گردد. از سوی دیگر، شرکت‌های تلفن خصوصی می‌توانند با پرداخت اجاره کابل به شرکت تلفن کنونی، نرخ‌های ارزان‌تری را در اختیار مشتریان قرار دهند.

### ۴- برق

برای اولین بار در سال‌های پایانی سده

نوزدهم میلادی، کارخانه برق وسیله بخش خصوصی در ایران دایر شد. پس از گذشت سال‌ها، رفته‌رفته نیروگاه‌های دولتی نیز تأسیس شدند، اما هنوز بخش خصوصی در این زمینه تا سال‌های ۱۳۴۰ در تهران فعال بود. با ایجاد وزارت نیرو، از فعالیت بخش خصوصی در رشته برق جلوگیری شد و تأسیسات برق‌های خصوصی نیز در اختیار انحصار دولتی قرار گرفت.

با توجه به سابقه مزبور و نیز از میان برداشتن انحصارات، صنعت برق می‌باید به بخش خصوصی واگذار شود. تولیدکنندگان می‌توانند با پرداخت هزینه خطوط انتقال، برق تولیدی را به مصرف‌کنندگان بفروشند. در همین راستا، خطوط انتقال می‌تواند در اختیار یک یا چند شرکت قرار گیرد.

#### ۴- هواپیمایی

نخستین شرکت‌های هواپیمایی در ایران در قالب شرکت‌های خصوصی تشکیل شدند. در ایران، امر جابه‌جایی مسافر و بار به وسیله هواپیما، دارای پیشینه درازی است. نخستین شرکت هواپیمایی در ایران، با سرمایه‌گذاری شرکت «یونکرس» آلمان، در نخستین سال‌های ۱۳۰۰ خورشیدی، آغاز به کار کرد، به دنبال آن، با سرمایه‌گذاری‌ها بخش خصوصی ایران نیز خطوط هواپیمایی دیگری تشکیل شد. در این میان می‌توان از آخرین و در عین حال معتبرترین آنها، یعنی شرکت هواپیمایی آریا نام برد. شرکت مزبور، دارای پروازهای خارجی نیز بود. در آن سال‌ها، به جای تشویق و حمایت از بخش خصوصی، با تشکیل شرکت هواپیمایی «هما» شرکت‌های هواپیمایی خصوصی در ایران منحل شدند. بدون تردید امروز هواپیمایی هما، به دلیل دارا بودن موقعیت انحصاری غیرلازم، از نظر تعداد کارمند به کیلومتر پرواز و یا مسافر، کیلومتر، از نسبت بسیار نامناسبی برخوردار است و یا به گفته دیگر، دارای بازده بسیار اندکی است.

با خصوصی سازی شرکت هواپیمایی هما، کارمندان زاید آن می‌توانند به شرکت‌های دیگر هوایی و یا دیگر بخش‌های اقتصادی منتقل شوند و پروازها در سودآورترین مسیرها، تجمع یابند. در صورتی که بنا به مصالح ملی و... می‌بایست مسیرهای دیگری نیز پوشش داده شوند، در آن صورت می‌بایست هزینه‌های آن نیز از سوی بخش عمومی، پرداخت شود.

#### ۵- کشتیرانی

کشتیرانی، به راحتی می‌تواند به بخش خصوصی واگذار شود. در صورتی که کشتیرانی کنونی نیز به چند شرکت تقسیم شود، در آن صورت در اثر ایجاد جو رقابت میان شرکت‌های مزبور، می‌توان در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به صورت فعال حضور پیدا کرد.

#### ۶- راه‌آهن

در این زمینه در گام نخست باید کوشید تا همان گونه که در آغاز بحث مربوط به انحصارات در ایران اشاره شد، اداره راه‌آهن به صورت یک شرکت واقعی بازرگانی در آید. هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت راه‌آهن که از سوی مجلس به نمایندگی از سوی مردم برگزیده می‌شود، باید بدانند که در صورت عدم کارایی می‌تواند به سادگی برکنار شود. در نتیجه راه‌آهن خود را ناچار خواهد دید که با حمل و نقل جاده‌ای و هوایی به رقابت برخیزد. واگذاری بخشی از وسایل به بخش خصوصی و اجازه به بخش خصوصی برای بهره‌گیری از خطوط موجود، می‌تواند روند رقابت در این زمینه را پویا کند.

#### گروه سوم: دیگر انحصارات

در این گروه بیشتر انحصاراتی قرار می‌گیرند که هیچ گونه توجیهی برای انحصاری بودن رشته‌های مزبور نمی‌توان یافت. (گرچه امروزه همه رشته‌ها توجیه لازم را در این زمینه از دست

داده‌اند.) از این نوع انحصارات می‌توان از دخانیات، چای، ذخیره‌سازی گندم و... نام برد. موقعیت انحصاری دخانیات باعث شده است که به دلیل عدم مرغوبیت تولیدات داخلی، سالانه چند صد میلیون دلار سیگار به صورت قاچاق، یعنی بدون پرداخت گمرک و عوارض مربوط وارد کشور شود. از سوی دیگر به مانند دیگر انحصارات دولتی، تولیدات دخانیات ایران در هیچ یک از بازارهای جهانی حضور ندارد.

مسئله دیگر در این زمینه مسأله چای و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی و به ویژه گندم است. با آزادسازی امر چای و ایجاد رقابت در این زمینه، ایران می‌تواند به جای واردکننده چای به صورت صادرکننده چای در سطح جهانی در آید.

در زمینه ذخیره‌سازی گندم، در صورتی که دولت نیاز به ذخیره‌سازی راهبردی (استراتژیک) دارد، می‌تواند این کار را بدون تحمیل انحصار، انجام دهد. کوتاه سخن این که مؤسساتی نظیر آن چه در بخش سوم از آنان نام برده شد، می‌بایست به بخش خصوصی منتقل شوند.

پانویس‌ها:

STATISTICS OF DEMOCIDE BY RUDY (۱)

J. RUMMEL

UN POPULATION DIVISION (۲)

ECONOMIC FREEDOM OF THE WORLD, (۳)

THE FRASER INSTITUTE

(۴) برپایه آمار سازمان ملل، مجموع صادرات جهان در سال

۱۹۹۷ برابر با ۵۵۷۳/۶ میلیارد دلار بوده است. میانگین

صادرات سرانه مردم جهان در سال ۱۹۹۷ میلادی بیش از

۱۰۰۰ دلار بوده است، در حالی که در همان سال میانگین

صادرات سرانه ایران چیزی حدود ۲۵۰ دلار بوده است. البته

باید توجه داشت که ۲۰۰ دلار آن مربوط به صادرات نفت

است. صادرات سرانه کالا و خدمات مردم ایران از مرز ۵۰

دلار در سال فزاینده‌تر نمی‌رود.